

صلى الله عليه وسلم

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسان‌ها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آن‌ها متعلق به دانشگاه می باشد، ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده هنر

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته پژوهش هنر

بررسی جایگاه و تحولات فرهنگ و هنر در عصر جهانی شدن
(با تأکید بر جامعه ایرانی)

هادی حشمتی

استاد راهنما

دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی

استاد مشاور

دکتر محمود طاووسی

شهریور ۱۳۸۸

تقدیم به:

{ درگاه بی‌کران یکتای هفت آسمان؛

{ چهارده ستاره درخشان آسمان نبوت و امامت؛

{ پدر فداکار و مادر دلسوزم که اسوهای از صبر و شکیبایی و

تجسمی از لطف و مهربانی هستند؛

{ برادر و خواهرانم که همیشه باور و همراهم بودند و همه

عمر و امدار محبت‌های آنانم؛

{ تمامی عزیزانی که با پندار، گفتار و کردار نیک، نقش

آفرین لحظات شیرین و به یاد ماندنی زندگی‌ام شده‌اند؛

{ همه هم‌سلانم در سراسر دنیا که دنیای فردایمان رنگین

کمان باور به رویت رویاهای آنان خواهد بود.

تشکر و قدردانی:

سپاس و حمد، ذات پاکه بی‌نیاز معبودی را سزد که به قلم قداست و به انسان کرامت بخشید و انسان را به زیور علم و معرفت بیاراست. اکنون که در سایه الطاف و عنایت بی‌کران و مراحم بی‌شمار خداوندی موفق به نگارش این پایان‌نامه شده‌ام، بر خود لازم می‌دانم از بزرگوارانی که مرا در این راه یاری نمودند تشکر و قدردانی نمایم:

{ از جناب آقای دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی استاد راهنما که با گوهر اندیشه‌هایشان مسیر تحقیق را روشن نمودند، کمال تشکر را دارم؛

{ از جناب آقای دکتر محمود طاووسی استاد مشاور که ظرافت پندهایشان گره‌گشای بن‌بسته‌های تحقیق شد، نهایت سپاس را دارم؛

{ از جناب آقایان دکتر نیستانی و دکتر افهمی استادان ارجمند داور و ناظر جلسه دفاع که با عنایت‌شان سرافرازم کردند، بی‌نهایت ممنونم؛

{ از جناب آقای دکتر فرهاد مهندس‌پور مدیر گروه گران‌قدر و نماینده شورای تحصیلات تکمیلی جلسه دفاع پایان‌نامه‌ام، که با تشویق‌هایشان دل‌گرمی وجودم شدند، کمال قدردانی را دارم؛

{ از کارمندان و دست‌اندرکاران محترم کتابخانه‌های دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران و هم‌چنین کتابخانه ملی ایران که با مساعدت و همکاری‌شان مرا در دستیابی به منابع یاری نمودند، نهایت امتنان را دارم.

چکیده

پدیده چند بُعدی جهانی شدن که به عنوان مهم‌ترین عامل تحولات حوزه‌های مختلف زیست بشری در آستانه هزاره سوم مطرح شده، فرآیند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا و ایجاد جامعه جهانی واحد می‌باشد. این پدیده اگرچه دارای مبانی نظری تاریخی بوده، ولی در واقعیت نتیجه گسترش عقل‌گرایی، سرمایه‌داری و ظهور نوآوری‌های فناوری ارتباطات و سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد و قدمت علمی آن را می‌توان بعد از دهه ۱۹۶۰م دانست. فرهنگ و هنر، امروزه به دلایل نمادین بودن؛ ارتباط داشتن با ذهن، روح و احساسات بشری و هم‌چنین به‌کارگیری در رسانه‌های گروهی در جایگاه مهم‌ترین بُعد این پدیده قرار گرفته و موجب تشدید سرعت گسترش و دامنه نفوذ آن در جهان شده‌اند.

در این تحقیق که به روش نظری و شیوه تحلیلی-تفسیری و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته، در فصل اول مقدمات تحقیق؛ در فصل دوم به شناسایی پدیده جهانی شدن و بررسی تاریخچه، عوامل و مبانی نظری شکل‌گیری آن؛ در فصل سوم به بررسی اهمیت و تحولات فرهنگ و مصادیق آن در فرآیند جهانی شدن؛ در فصل چهارم به بررسی جایگاه هنر در این فرآیند و برشمردن عوامل شکل‌گیری و ویژگی‌های شاخص هنر این عصر پرداخته شده و در فصل آخر راهکارهای پیشنهادی برای مواجهه منطقی فرهنگ و هنر ایران با این پدیده ارائه شده است.

نظریات مربوط به تأثیرات جهانی شدن در بُعد فرهنگ و هنر را می‌توان با کمک نمودار فلسفی هگل چنین ترسیم کرد: نظریه اولیه^۱، نظریه "فرهنگ واحد جهانی"؛ نظریه مقابل^۲، نظریه "تنوع و تکثر فرهنگی در جهان" و نظریه تولیدی^۳، نظریه "فرهنگ جهانی و تنوع محلی". تحول مصادیق فرهنگی در این فرآیند هم نشان‌دهنده نوعی تضاد در واکنش‌های آن‌هاست که منشأ آن، جدل نیروهای موجود در بطن جهانی شدن می‌باشد. عوامل مهم ظهور هنر عصر جهانی شدن را می‌توان موزه‌های هنرهای معاصر؛ جشنواره‌ها و همایش‌های بین‌المللی؛ تکامل فناوری ارتباطات و بسط رسانه‌های جدید؛ نفوذ سرمایه‌داری و گرایش هنرمندان به طرح مسائل اجتماعی و سیاسی روز دانست. شاخص‌ترین ویژگی‌های هنر این دوره نیز، مرکزیت‌زدایی؛ تنوع ابزار بیان هنری؛ کالایی شدن هنر؛ توده‌ای شدن مخاطبان؛ بی‌معنایی یا چندمعنایی شدن آثار هنری؛ گریز از معنویت الهی و گرایش به معنویت انسانی و افزایش بیان‌گری بر پایه نوآوری و وجه تجربی هنرمند است. جایگاه فرهنگ و هنر ایران اسلامی در این عصر هم اگرچه تاکنون به دلیل کمبود سیاست‌های کارآمد دولتی و نبود آگاهی و امکانات کافی هنرمندان، آن‌طور که باید منسجم و باهویت نمایش جهانی نداشته، ولی در مقطع کنونی با فهم میراث گذشته، نوین‌شدن فکری و فنی و بکارگیری آموزه‌های دینی و بومی به‌ویژه "معنویت الهی"، می‌تواند استقلال یافته و نقش تأثیرگذاری در تحولات جهانی فرهنگ و هنر داشته باشد.

کلید واژه‌ها: جهانی شدن، فرهنگ، هنر، جامعه ایران، راهکارها.

^۱- Thesis.

^۲- Anti-thesis.

^۳- Syn-thesis.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مقدمه

- ۱-۱- طرح مسئله تحقیق..... ۱
- ۲-۱- اهداف تحقیق..... ۲
- ۳-۱- سئوالات تحقیق..... ۲
- ۴-۱- پیش فرض های تحقیق..... ۲
- ۵-۱- روش انجام تحقیق..... ۳
- ۶-۱- جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق..... ۳
- ۷-۱- بررسی پیشینه تحقیق..... ۴
- ۸-۱- تعاریف مهم تحقیق..... ۶

فصل دوم: پدیده جهانی شدن

- ۱-۲- جهانی شدن یا جهانی سازی؟..... ۱۱
- ۲-۲- مفاهیم جهانی شدن..... ۱۳
- ۳-۲- تاریخچه جهانی شدن..... ۱۵
- ۴-۲- عوامل ضروری پدید آمدن جهانی شدن..... ۱۷
- ۵-۲- نظریه های جهانی شدن..... ۲۱
- ۱-۵-۲- نسل اول..... ۲۱
- ۲-۵-۲- نسل دوم..... ۲۴
- ۳-۵-۲- نسل سوم..... ۲۸
- ۶-۲- مصادیق جهانی شدن..... ۳۱

فصل سوم: اهمیت و تحولات فرهنگ در فرآیند جهانی شدن

۳۲ ۱-۳- فرهنگ و جهانی شدن
۳۵ ۲-۳- واکنش فرهنگ‌ها در برابر جهانی شدن
۳۸ ۳-۳- تأثیرات جهانی شدن در بُعد فرهنگ
۳۸ ۱-۳-۳- فرهنگ واحد جهانی (استعمارطلبی فرهنگی)
۴۳ ۲-۳-۳- تنوع و تکثر فرهنگی در جهان
۴۵ ۳-۳-۳- فرهنگ جهانی و تنوع محلی
۴۷ ۴-۳- تحولات مصادیق فرهنگی در فرآیند جهانی شدن
۴۷ ۱-۴-۳- هویت ملی
۵۱ ۲-۴-۳- دین
۵۴ ۳-۴-۳- فرهنگ عمومی
۵۷ ۵-۳- فرهنگ ایران اسلامی در عصر جهانی شدن

فصل چهارم: جایگاه و تحولات هنر در فرآیند جهانی شدن

۶۶ ۱-۴- هنر در فرآیند جهانی شدن
۶۸ ۲-۴- عوامل مؤثر در شکل‌گیری هنر عصر جهانی شدن
۷۱ ۳-۴- ویژگی‌های هنر عصر جهانی شدن
۷۶ ۴-۴- ادبیات هنر در عصر جهانی شدن
۷۶ ۱-۴-۴- جایگاه نقد هنری
۸۱ ۲-۴-۴- بحران تاریخ هنر
۸۵ ۵-۴- هنر ایران اسلامی در عصر جهانی شدن

فصل پنجم: راهکارهای پیشنهادی و نتیجه‌گیری

۹۰ ۱-۵- راهکارهای پیشنهادی در راستای مواجهه با پدیده جهانی شدن
۹۱ ۱-۱-۵- راهکارهایی برای عرصه فرهنگ
۹۶ ۲-۱-۵- راهکارهایی برای عرصه هنر
۱۰۰ ۲-۵- نتیجه‌گیری
۱۰۳ منابع
۱۰۷ چکیده (انگلیسی)

™ فصل اول: مقدمه ~

۱-۱- طرح مسئله تحقیق

با پایان هزاره دوم میلادی و آغاز هزاره سوم، بشریت در آستانه دوره تاریخی تازه‌ای قرار گرفته است. حوزه‌های مختلف زیست بشری و شکل‌بندی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع دستخوش تغییرات عمده شده و جغرافیا-سیاسی^۱ جهانی به گونه‌ای بنیادین متحول شده است. این تحولات، مؤلفه‌های اصلی نظم موجود را به چالش طلبیده و درصدد ایجاد نظمی نوین در جهان‌اند. گستردگی تحولات اخیر در جهان و تأثیرگذاری انکارناپذیر آن بر جنبه‌های مختلف حیات بشری باعث توجه نظریه‌پردازان علوم گوناگون به توضیح و تبیین این تحولات شده و از زوایای گوناگون و دریچه‌های مختلف و تحت عناوین متفاوت، این تحولات و تأثیرات آن‌ها را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در این میان مشهورترین واژه در توصیف مجموعه رخدادهای دگرگون‌ساز و عظیم اخیر، اصطلاح "جهانی‌شدن"^۲ است. از دیدگاهی شاید پدیده چند بُعدی جهانی‌شدن، یک ضرورت تاریخی و اجتناب‌ناپذیر و در عین حال برگشت‌ناپذیر باشد که به دلیل افزایش روزافزون آهنگ و وسعت گسترده خود بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری تأثیرات عمیق و مهمی بر جای گذاشته و خواهد گذاشت. بنابراین دگرگونی‌های ناشی از آن خارج از توانایی‌های ما بوده و نمی‌توان هم نسبت به آن بی‌تفاوت بود و یا برای مصون ماندن از آثار آن دیواری به دور خود کشید. از سوی دیگر این‌که پیامدهای جهانی‌شدن تا چه اندازه مثبت یا منفی می‌باشند، عمدتاً بستگی به سیاست‌ها و راهکارهایی دارد که در رابطه با آن اتخاذ می‌شود. بنابراین در همین راستا در این تحقیق سعی می‌شود با شناسایی این پدیده، جایگاه و تحولات

^۱- Geo-politics.

^۲- Globalization.

بعد فرهنگ و هنر که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن هستند را مورد بررسی قرار داده و سپس با اشاره به وضعیت فرهنگ و هنر جامعه ایران در این فرآیند، راهکارهایی را برای برخورد آگاهانه و استفاده از نتایج مثبت و هم‌چنین کاهش دادن اثرات منفی آن ارائه نماییم.

۱-۲- اهداف تحقیق

- * شناسایی پدیده جهانی‌شدن و علل ایجاد آن؛
- * شناخت جایگاه فرهنگ و تحولات مصادیق فرهنگی در عصر جهانی‌شدن؛
- * بررسی هنر عصر جهانی‌شدن و ویژگی‌های شاخص آن؛
- * پی‌جویی موقعیت فرهنگ و هنر ایران در فرآیند جهانی‌شدن و دستیابی به راهکارهایی برای کاهش پیامدهای منفی و استفاده از فرصت‌های مثبت در مواجهه آن‌ها با این پدیده.

۱-۳- سئوالات تحقیق

- * پدیده جهانی‌شدن چیست و عوامل مهم ایجاد آن کدامند؟
- * جایگاه فرهنگ و تحولات مصادیق فرهنگی در فرآیند جهانی‌شدن چگونه است؟
- * عوامل ایجاد و ویژگی‌های شاخص هنر جدید عصر جهانی‌شدن کدامند؟
- * موقعیت فرهنگ و هنر ایران در عصر جهانی‌شدن چگونه بوده و چه راهکارهایی می‌توانند به کاهش پیامدهای منفی و استفاده از فرصت‌های مثبت در مواجهه آن‌ها با این پدیده کمک کنند؟

۱-۴- پیش‌فرض‌های تحقیق

- * اگر چه روابط جهانی پدیده کاملاً جدیدی نیست، ولی آن‌چه به جهانی‌شدن معنایی جدید و شاخص می‌دهد، مفهوم "قلمروزدایی" آن است که طی چهار دهه پایانی قرن بیستم میلادی به سرعت گسترش یافت. هم‌چنین از مهم‌ترین علل جهانی‌شدن می‌توان گسترش عقل‌گرایی، سرمایه‌داری و نوآوری‌های فنی در ارتباطات را نام برد.

* فرهنگ یکی از مهم‌ترین ابعاد جهانی شدن است. پدیده جهانی شدن از سویی باعث جهانی شدن فرهنگ و از سویی دیگر باعث محلی شدن آن می‌شود. مصادیق فرهنگی نیز در این فضا مورد چالش قرار گرفته و مجبور به بازسازی خود هماهنگ با شرایط می‌شوند.

* جهانی شدن از سویی باعث هم‌سانی آثار هنری و از سوی دیگر باعث تنوع در هنرها می‌شود. از عوامل مهم ظهور هنر جدید این عصر می‌توان موزه‌های هنرهای معاصر، برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های بین‌المللی، گرایش وسیع هنرمندان به طرح مسائل اجتماعی و ظهور فناوری^۱ ارتباطات را نام برد. هم‌چنین مهم‌ترین ویژگی‌های هنر این دوره تأکید بر شخص هنرمند به جای اثر هنری، توجه به وجه تجربی هنر، تغییر در نوع و نقش مخاطب اثر هنری، مرکزیت‌زدایی و چندمعنایی شدن آثار هنری است.

* هنرمندان ایرانی می‌توانند با تکیه و حفظ ارزش‌های فرهنگی ایرانی اسلامی، ضمن جهانی کردن ارزش‌های هویتی خود در این عرصه، چالش ایجاد شده توسط پدیده جهانی شدن را به فرصتی برای جذب و بومی کردن ارزش‌های فرهنگی و هنری خارجی و افزایش سطح کیفیتی و تنوع فنی (نوین شدن)^۲ آثار خود تبدیل کنند.

۱-۵- روش انجام تحقیق

روش این تحقیق نظری بوده و شیوه انجام آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات آن از طریق کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

۱-۶- جنبه جدیدبودن و نوآوری تحقیق

انجام این تحقیق به دلیل هم‌زمانی با در حال وقوع بودن موضوع آن یعنی فرآیند جهانی شدن، خود در حالت کلی گویای اهمیت و جدید بودن تحقیق است که در حال حاضر نیز این موضوع به‌طور گسترده در مهم‌ترین مراکز علمی و مؤسسات پژوهشی جهان مورد تحقیق است. هم‌چنین از سوی دیگر در

^۱- Technology.

^۲- Modern.

کشورمان اگرچه پژوهش‌هایی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نیز تحقیقات بسیار اندکی در بُعد اجتماعی و فرهنگی آن صورت گرفته، ولی در زمینه هنر تحقیق مستقلی انجام نشده است.

۱-۷- بررسی پیشینه تحقیق

جهانی‌شدن در دهه اخیر با مبانی نظری متفاوت و زوایای فکری گوناگون مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران در گستره جوامع مختلف قرار گرفته و بررسی ابعاد مختلف آن حجم قابل توجهی از مباحث عمومی و تولیدات فکری را به خود اختصاص داده است، به طوری که تنها ذکر نام نویسندگان و آثار آنان در این زمینه نیازمند بیش از چندین جلد کتاب خواهد بود. بنابراین ما در اینجا به ناچار به عنوان بیان پیشینه تحقیق، تنها به برشمردن دیدگاه‌های محققان در این زمینه می‌پردازیم. مسئله جهانی‌شدن در سال‌های اخیر از سه نگاه مختلف مورد بررسی و توجه مخالفان و موافقان آن قرار گرفته است. در یک نگاه، جهانی‌شدن به مثابه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مطرح بوده و طرفداران این نگرش به صورت کاملاً اغراق‌آمیز^۱ به فرآیند جهانی‌شدن نگریسته و بر این باورند که باید برای تحقق هر چه سریع‌تر اندیشه جهانی‌شدن با همه توان و سرعت از همه ظرفیت‌های جهانی استفاده نمود. بدیهی است در این نگاه، مفهوم جهانی‌شدن با سلطه قدرت بازار جهانی همراه بوده و در این رهگذر استعمارطلبی آمریکایی و اروپایی به شیوه‌های مختلف و تأسیس و گسترش شرکت‌های به اصطلاح چندملیتی و استقرار آن در کشورهای مختلف در اندیشه نفوذ و سلطه هر چه بیش‌تر بر کشورهای در حال توسعه خواهند بود. طرفداران این نگرش با تأکید بر پدیده جهانی‌شدن بر این باورند که دیگر عمر قلمرو "یک دولت" و "یک ملت" به پایان رسیده و فرآیند جهانی‌شدن و حاکمیت اقتصاد و سلطه بازار خود یک نظام نوین اجتماعی در پی خواهد داشت. نگاه دوم به پدیده جهانی‌شدن یک نگاه انتقادی و تردیدآمیز^۲ است. صاحبان این نگرش بر این عقیده‌اند که اندیشه جهانی‌شدن به معنای دقیق آن در حال حاضر یک رویا و آرمانی بیش نیست و نباید توان و قدرت و ظرفیت دولت‌ها

^۱- Hyperglobalists.

^۲- Sceptics.

و ملت‌های مستقل را نادیده انگاشت و زمینه انزوای هر چه بیش‌تر دولت‌های فقیر را فراهم نمود. چرا که اندیشه جهانی‌شدن و سیطره سلطه قدرت‌مندان نتیجه‌ای جز به حاشیه راندن کشورهای فقیر در پی نخواهد داشت. جهانی‌شدن نمی‌تواند تجربه‌ای جز نابرابری توزیع درآمد در سطح جهان، کم‌رنگ شدن نقش دولت‌ها در فعالیت‌های کلان اقتصادی و بی‌ثباتی و سستی در وابستگی‌های ملی و فرهنگی به همراه داشته باشد. و اما نگاه سوم به مفهوم جهانی‌شدن از سوی برخی صاحب‌نظرانی چون آنتونی گیدنز^۱، دیوید هلد^۲، رایش است که بر این باورند که باید مسئله جهانی‌شدن را به عنوان یک فرآیند انتقال^۳ مورد توجه قرار داد. طرفداران این نگرش با قبول فرآیند جهانی‌شدن، این پدیده را به صورت یک تغییر و انتقال تدریجی می‌دانند و بر این باورند که در حال حاضر در یک دوران گذار به سر می‌بریم که سیاست و اقتصاد قرن آینده را صورتی تازه خواهد بخشید که در آن تولیدات و مفاهیمی چون فناوری‌های ملی، شرکت‌های ملی و اقتصاد ملی به گونه‌ای که امروزه از آن یاد می‌کنیم، دیگر وجود نخواهد داشت. بدون شک از نگاه این صاحب‌نظران، دیگر به سختی هم می‌توان از مقوله‌ای به نام فرهنگ ملی نام برد.

از نظر سابقه تحقیق در این زمینه در ایران نیز اخیراً مسئله جهانی‌شدن عمدتاً از نگاه انتقادی و بیش‌تر در ابعاد سیاسی و اقتصادی در حجمی از آثار که به هیچ‌وجه مناسب و کافی به نسبت اهمیت این موضوع نمی‌باشند، مورد توجه قرار گرفته است و متأسفانه بُعد فرهنگی و هنری آن غیر از برگزاری چند همایش و انتشار اطلاعات محدودی در قالب کتاب و مقاله مورد غفلت واقع شده، غفلتی که برای کشور بسیار پرهزینه و زیانبار بوده و در صورت عدم توجه خواهد بود. زیرا همان‌طور که بسیاری از صاحب‌نظران جهانی (مالکوم واترز^۴ و لیتل) معتقدند، فرآیند جهانی‌شدن تعامل دو سویه ابعاد اقتصادی و سیاسی-فرهنگی بوده و پرداختن به مسایل ارزشی، هویتی و معرفت‌شناختی در بررسی این پدیده امری کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (افروز، ۱۳۸۵، ۳-۱). در ترجمه‌ها و

^۱- A. Giddens.

^۲- D. Held.

^۳- Transformationlists.

^۴- M. Waters.

تألیف‌هایی هم که تاکنون در این زمینه در جامعه نشر یافته، غالباً با دیدی منفی به جهانی شدن و پیامدهای آن نگریسته شده و محتوای این آثار دلالت بر این دارند که کل فرآیند جهانی شدن نوعی تهاجم فرهنگی بوده و لزوم مقابله با آن مورد تأکید است. در نتیجه آن را به عنوان یک طرح توطئه- آمیز استعمارطلبانه و یا برنامه‌ای اقتصادی با جهت‌گیری خاص سرمایه‌داری جهانی به حساب آورده‌اند و پیداست چنین نگرش‌های یک‌سویه و محدودنگرانه‌ای راه را بر داوری عالمانه و واقع‌نگرانه مسدود می‌سازد.

۱-۸- تعاریف مهم تحقیق

■ **جهانی شدن:** اگرچه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، واژه جهانی شدن گاه و بی‌گاه در محافل و آثار خاص به کار می‌رفت، ولی برای نخستین بار در سال ۱۹۶۱م به فرهنگ "وبستر" راه یافت که بر بازشناسی آشکار اهمیت فزاینده پیوندها و ارتباطات جهان‌گستر دلالت داشت. با این وجود جامعه علمی به پذیرش این واژه چندان علاقه‌ای نشان نمی‌داد. در طول دهه ۱۹۷۰م بی‌علاقگی و احتیاط محافل دانشگاهی کم‌کم کاهش یافت و رشته‌هایی مانند اقتصاد به کاربرد این واژه تن دادند. با پُرشتاب‌تر و گسترده‌تر شدن فرآیند جهانی شدن به واسطه پیشرفت‌های حیرت‌آور در حوزه فناوری ارتباطات، این واژه بیش از پیش اهمیت یافت و جواز ورود به رشته‌های مختلف را کسب کرد. در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰م این واژه به عرصه جامعه‌شناسی هم راه یافت تا زمینه تدوین نظریه‌های جامعه-شناختی مستقل درباره فرآیند جهانی شدن و جنبه‌های آن فراهم شود. در واقع امروزه مفهوم جهانی-شدن در کانون اغلب بحث‌های سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی قرار گرفته است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ۲۴). گرچه جهانی شدن از مفاهیم رایج در حوزه‌های مختلف و جزو میراث‌های باقی‌مانده برای هزاره جدید است، اما هنوز تعریفی دقیق از آن وجود ندارد و در آثار گوناگون و پُرشمار مربوط به فرهنگ، اقتصاد و سیاست در جهان معاصر، تعریف‌های متفاوت، شخصی و گاهی متضاد از این فرآیند عرضه می‌شود و نشانه‌های امیدوارکننده چندان هم از دستیابی به اجماع نسبی بر سر مفهوم‌بندی و تعریف آن به چشم نمی‌خورد. مهم‌ترین عوامل ایجاد این ابهام، اختلاف و تناقض مضاعف موجود در

تعریف جهانی شدن را می‌توان ناشی از چندوجهی بودن پدیده جهانی شدن، فراگیر بودن این فرآیند و تأثیرهای گریزناپذیر آن بر جوامع مختلف و نوپا بودن نظریه‌پردازی و مطالعات معطوف به آن دانست. در همین راستا هم‌چنین می‌توان ویژگی‌های مشترک در تعاریف مختلف عرضه شده برای جهانی شدن را چنین برشمرد: جهانی شدن چونان فرآیندی تدریجی و پایدار توصیف می‌شود که از گذشته‌ای دور یا نزدیک آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد، با این تفاوت که هر چه بر آن افزوده می‌شود، شتاب و گستره آن هم بسیار افزایش می‌یابد؛ تأکید بر افزایش بی‌سابقه ارتباطات و برخوردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و افزایش وابستگی متقابل در عرصه جهانی؛ و نیز جهانی شدن به عنوان نوعی فرآیند هم‌گونی و هم‌سانی فزاینده. بنابراین گرچه تعریفی جامع و مانع از جهانی شدن بسیار دشوار است، ولی بر اساس وجوه مشترک نام برده می‌توان جهانی شدن را چنین تعریف کرد: "جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشردگی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم‌وبیش و به صورتی آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند". تعریف عرضه شده در واقع مبتنی بر تعاریف و دیدگاه‌های چند نظریه‌پرداز برجسته جهانی است. محور بحث دیوید هاروی^۱ از جهان معاصر، مفهوم فشردگی زمانی-فضایی است؛ گیدنز پیامدهای اجتماعی این فشردگی را بررسی می‌کند؛ رابرتسن عنصر آگاهی را نقطه عطفی در فرآیند طولانی مدت جهانی شدن می‌داند و مارتین آلبرو هم جهانی شدن را شکل‌گیری یک جامعه جهانی در عصر جهانی به شمار می‌آورد (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ۲۱-۱۸).

■ **فرهنگ:** فرهنگ از جمله واژه‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی است که به دلیل نسبت آن با انسان، تاریخ و جامعه، همواره یکی از مباحث مهم محافل علمی جهان بوده، تا آنجا که تاکنون بیش از صدوپنجاه تعریف مهم از منظرهای گوناگون برای آن ارائه شده است (آشوری، ۱۳۷۹، ۷۷-۷۱). به طور کلی همه معناهای مختلف فرهنگ از واژه لاتینی *Cultivate* ریشه می‌گیرند. خود این واژه هم معناهای متعددی دارد که کشت و زرع زمین و پرورش (زنبور عسل، ماهی، کرم ابریشم و...) از جمله آن‌هاست. البته در همه این معناها و تعریف‌ها مفهوم پرورش، عمل‌آوری و رشد وجود دارد و در واقع

^۱ - D. Harvey.

این جنبه از مفهوم فرهنگ است که به حوزه انسانی و اجتماعی راه یافته است. با گذشت زمان، معنا و مفهوم فرهنگ متحول شد و امروزه معنای گسترده‌تر فرهنگ معطوف است به هر آن‌چه که انسان را از حیوان متمایز می‌کند. از این لحاظ فرهنگ در مقابل طبیعت زیست قرار می‌گیرد و معطوف است به هر آن‌چه که به صورت غیرارثی منتقل می‌شود. بر همین اساس بازتولید و انتقال فرهنگ بر عهده جامعه و معنای وسیع آن همیشه پدیده‌ای جمعی است و از طبیعت، ماهیت انسانی و شخصیت فردی متمایز است، هر چند که مرزهای آن‌ها چندان روشن نیست (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ۱۲۳-۱۲۲). در جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف در مورد فرهنگ می‌توان گفت که با دیدگاهی ایرانی، فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای هماهنگ از عقاید، علایق، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، الگوها، قواعد، روش‌ها و نمادها درباره چگونه زیستن حول جهان‌بینی الهی. از این حیث حتی دین و اندیشه نیز در مفهوم فرهنگ جا می‌گیرد، هر چند آن‌ها توأماً نقشی زیربنایی برای فرهنگ دارند. اگر بخواهیم جلوه‌های ظهور و بروز جامعه را تسامحاً همان اجزای فرهنگ قلمداد کنیم، دارایی‌های فرهنگی انسان (اعم از فردی و اجتماعی) صرف‌نظر از منشأ آن، به اشکال گوناگون متجلی می‌شود: بخشی از آن‌ها را می‌توان جنبه‌های نمادین فرهنگ معرفی کرد، مثل زبان‌ها، آیین‌ها، مراسم، نیایش‌ها، شعایر و جشن‌ها؛ بخشی دیگر در نقش‌های اجتماعی ظهور می‌کند و جنبه‌های سازمانی فرهنگ را نشان می‌دهد، مثل آداب و رسوم، عرف‌ها، قوانین و قواعد، عادات و رفتارها و...؛ بخش دیگر به اشکال تخصصی و مهارت‌های خاص ظهور می‌کند و جنبه‌های فنی یا مادی فرهنگ را می‌سازد، مثل پیشه‌ها، مشاغل، ابزارها، معماری بناها و هنرها؛ در نهایت، بخشی دیگر از این دارایی‌ها، نشانگر جهان‌بینی یک جامعه است که به آن جنبه‌های شناختی فرهنگ می‌گویند، مثل عقاید، باورها، ارزش‌ها، اسطوره‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و دانش‌ها؛ بر این اساس دین می‌تواند در تمامی جنبه‌های مزبور حضور داشته باشد. در اینجا تأکید بر این نکته مهم ضروری است که فرهنگ، پدیده‌ای نظام‌مند و چند بُعدی است که همه ابعاد آن با هم تعامل دارند؛ لذا تفکیک اجزای آن از یکدیگر و دیدن آن‌ها به صورت بسیط با مفهوم واقعی فرهنگ فاصله دارد (گلشنی، ۱۳۸۷، ۷۶). بر پایه چنین نگرشی به فرهنگ، شاهد تنوع چشم‌گیری از آن در

جهان هستیم و واحدهای اجتماعی کوچک و بزرگ، مرزها و فضاهاى فرهنگى کم‌وبیش مشخصى دارند. کارویژه اصلی این مجموعه نیز عبارت است از فراهم کردن معنا و هویت برای گُنش‌گران که به واسطه ترکیب عناصر شناختی، معنایی، احساسی و ارزشی ممکن می‌شود.

■ **هنر:** در سیر تاریخ زبان‌های اروپایی سه کلمه در قلمرو مفهوم هنر به کار برده شده: نخست کلمه کهن یونانی *techne* (سپس کلمه لاتین آرس (*ars*) و در آخر کلمه جدید آرت انگلیسی (*art*) یا آر فرانسوی (*art*) یا کونست (*kunst*) آلمانی است.

تخنه در عرف یونانی به معنایی بسیار عام به کار برده می‌شد و منظور از آن نوعی از دانایی^۱ بود که هنرمند بر اساس آن حقیقت را به تجلی می‌آورد و این عمل بیش‌تر فنون را مانند شعر، معماری، نقاشی، تاریخ، حکومت و سخنوری را شامل می‌شد. در دوره قرون وسطی در زبان لاتین کلمه آرس که از ریشه هندواروپایی (سانسکریت) *ar* به معنای ساختن و درست کردن و نیز *artem* لاتین به معنای گردهم آوردن است، به کار گرفته شد. این کلمه نیز تقریباً همان عمومیت کاربرد معنایی کلمه تخنه یونانی را دارا بوده و طیف وسیعی از محصولات فکری و دستی را شامل می‌شد. در پایان قرون وسطی، و نیز در روزگار نوزایی^۲ از دو نوع آرس یاد شد، یکی را *ars mechanicus* می‌خواندند و مقصود از آن فن یا هنر غیرفکری بود که به تولید دستی یا جسمانی بازمی‌گشت، و دیگری را *ars liberalis* می‌نامیدند که تا حدودی برابر هنرهای زیبا است و به ابداع فکری و ذوقی و هنر انسانی ارتباط پیدا می‌کرد. اما فیلسوفان و هنرمندان عصر نوزایی برای رتبه‌بندی هنر به دستی و فکری اعتبار قائل نبودند، به طوری که هنرمندانی چون داونچی از فضیلت نقاشی بر شعر و دیگر هنرها سخن گفتند. بنابراین به‌طور کلی تا قرن هجده میلادی هنوز میان صنعت تولیدی و هنرهای زیبا تفاوتی وجود نداشت و باخ موسیقیدان خود را نه *artist* (هنرمند)، بلکه *artisan* (صنعتگر) می‌خواند. در قرن هجدهم بر اثر مباحثی که نخستین بار بومگارتن فیلسوف آلمانی در کتابی به نام "استتیک"^۳ در مورد

^۱ - Poiesis (به معنای ابداع در زبان یونانی).

^۲ - Renaissance.

^۳ - Aesthetica.

زیبایی‌شناسی مطرح کرد و سپس توسط نظریه‌های کانت در مورد امر زیبا در کتاب "نقد قوه حکم" وی بسط یافت، *ars* (art انگلیسی) معنای تازه‌ای پیدا کرد و در نتیجه منجر به آن شد که بین هنرهای مفید یا کاربردی (*useful arts*) و هنرهای زیبا (*fine arts*) تفاوت قائل شوند. به مرور زمان کلمه *fine* از اصطلاح *fine arts* برداشته شد و *arts* نیز به صورت مفرد استفاده شد و به *art* مبدل گردید؛ یعنی در حقیقت این کلمه از آن معنای عام‌اش به معنای خاص امروزی تحول یافت (پازوکی، ۱۳۸۴. ۴۵-۴۱).

بر همین اساس در عالم ایران اسلامی نیز در ابتدا از اصطلاحاتی چون "صنایع مستظرفه" و "فنون جمیله" استفاده می‌کردند و سپس واژه هنر را به عنوان معادلی برای *art* انگلیسی قرار دادند. اصل و ریشه هنر در زبان فارسی به سانسکریت برمی‌گردد و با لفظ "سونر" و "سونره" که در اوستایی و پهلوی به صورت "هونر" و "هونره" آمده است، پیوند دارد. "سو" سانسکریت همان "هو" به فارسی است، که معنی هر دو، نیک و خوب است و "تر" و "تره" به فارسی به معنای مرد و زن است، و هونر و هونره به معنی نیک‌مرد و نیک‌زن. هنر در اشعار فارسی به معنی فضیلت، شجاعت و جوانمردی نیز استعمال شده است. بنابراین معنای عام هنر، شامل هر فضیلت و کمالی می‌شود و در برابر عیب قرار می‌گیرد و معنای خاص آن را می‌توان همه دست‌ساخته‌های حاصل از ذوق و جهان‌بینی انسان در راستای بیان یک مفهوم دانست.

™ فصل دوم: پدیده جهانی شدن ~

۲-۱- جهانی شدن یا جهانی سازی؟

واژه *Globalization* برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰م در حوزه اقتصاد آمریکا، توسط شرکت‌های اقتصادی بزرگ چندملیتی به منظور بیان پدیده در حال گسترش فضای تولید و تجارت، تا حدی که سراسر بازار جهانی را فراگیرد، پا به عرصه وجود گذاشت. ولی با گسترش دامنه فعالیت آن، امروزه به یکی از پُراستفاده‌ترین و رایج‌ترین مفاهیم حوزه‌های علوم انسانی تبدیل شده است (الجابری، ۱۹۹۷). (۱۳۹). این واژه اسم مصدر از مصدر جعلی *to globalize* است که خود از صفت *Global* ساخته شده است. البته پاره‌ای از منابع و مأخذ، واژه یا اصطلاح جهانی‌شدن را معادلی برای اصطلاحات *Mondialisation* و *Plonetavixation* می‌دانند. با این حال آنچه که در اکثریت قریب به اتفاق منابع پذیرفته شده، همان اصطلاح *Globalization* است و حتی عده‌ای معتقدند که واژه *Mondialisation* ترجمه کلمه *Golbalizaton* است. در لغت‌نامه برای صفت *Global* که ریشه و منشأ اصطلاح *Globalization* است، سه معنا قائل شده‌اند: گرد، مثل توپ یا گره؛ مقولات مربوط یا شامل در کره‌زمین و اصولاً در سراسر جهان؛ کلی یا جهان‌شمول. مصدر *to globalize* با توجه به معنای سوم ساخته شده است و به نظر، فعل آن هم لازم است و هم متعدی، و به همین دلیل می‌توان آن را از یک سو "جهان‌شمول کردن"، یا "یکپارچه کردن" و از سوی دیگر "جهان‌شمول شدن" یا "یکپارچه شدن" ترجمه کرد (رجایی، ۱۳۸۰، ۲۱). البته پُرواضح است که میان این دو وجه لازم و متعدی، نه تنها از حیث معنی، بلکه از لحاظ پیامد و منظور اصلی طراحان جهانی‌شدن نیز تفاوت‌های اساسی وجود دارد. به طوری که می‌توان به دو مسئله مستقل "جهانی‌شدن" و "جهانی‌سازی" معتقد شد.